

## بررسی عوامل اجتماعی موثر بر تعلق شهروندان تهرانی به محله (جامعه مورد مطالعه: ساکنان بالای ۱۸ سال منطقه ۲۲ تهران)

حسین ابراهیم زاده - استادیار گروه مردم‌شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان، سیستان و بلوچستان، ایران.  
نوروز هاشم‌زهی - استادیار جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق و رئیس مرکز پژوهش‌های اجتماعی کندوکاو، تهران، ایران.

ابذر اشتربی - دانشجوی دکتری جامعه شناسی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

فاطمه مفرح\* - کارشناس ارشد جامعه شناسی و عضو باشگاه پژوهشگران جوان واحد تهران شمال، تهران، ایران.

### چکیده

Social factors influencing the Iranians belong to the neighborhood  
(the study population: Tehran 22 area residents over 18 years old)

#### Abstract

The central aim of this paper is the evaluation of social belonging and social factors affecting the citizens of District 22 of Tehran (social cohesion, social trust, social participation, solidarity and cohesion, neighborhood) are. According to the sociological approach, the major theoretical developments in this category based on a combination of theories of thinkers such as Durkheim, Simmel, Parsons, Inglehart and Putnam, Fukuyama, Huntington Sap and Harvd and investigated. Questionnaire and interview-based survey of 250 residents over 18 years of district 22 of Tehran were selected by multi-stage sampling and data were collected. Validity and reliability were confirmed. The results showed that the citizens of the community who are less than 22 quarters. As well as social cohesion, social trust, social participation, solidarity and community cohesion in neighborhoods increases, increases social belonging to neighborhood residents.

**Key words:** social belonging, social links, social trust, social participation, solidarity and community cohesion.

در این مقاله مسئله و هدف محوری، سنجش میزان تعلق اجتماعی شهروندان منطقه ۲۲ تهران و عوامل اجتماعی موثر بر آن (پیوندهای اجتماعی، اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، همبستگی و انسجام محله ای) می باشد. بر اساس رویکرد جامعه شناختی، عمدۀ ترین تحولات نظری این مقوله با استناد به ترکیبی از نظریه‌های اندیشمندانی چون دورکیم، زیمل، پارسونز، اینگلهارت و پاتنام، فوکویاما، ساپ و هارود و هانتینگتون بررسی شده است. با روش پیمایشی و ابزار مصاحبه مبتنی بر پرسشنامه، ۲۵۰ نفر از شهروندان بالای ۱۸ سال منطقه ۲۲ تهران به روش نمونه گیری چند مرحله‌ای انتخاب شدند و اطلاعات گردآوری شد؛ روایی و اعتبار پرسشنامه مورد تایید قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان داد که تعلق اجتماعی شهروندان منطقه ۲۲ به محله در حد کم می باشدند. همچنین هر چه پیوندهای اجتماعی، اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، همبستگی و انسجام محله ای در محلات افزایش یابد، تعلق اجتماعی شهروندان به محله نیز افزایش می یابد.

**واژگان کلیدی:** تعلق اجتماعی، پیوند اجتماعی، اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، همبستگی و انسجام محله ای.

## مقدمه

شهروندی و تعلق و یگانگی به شهر را در افراد کنده کند. در چنین شرایطی انسان شهرنشین در تکاپوی رفع نیاز به تعلق اجتماعی و هویت یابی، توسعه روابط اجتماعی را دنبال می کند. در واقع شهرها فقط حاصل فشردگی و تراکم بالای جمعیت در یک مکان خاص نیستند، بلکه افراد حاضر در شهر بر اساس تنظیم روابط خود در قالب روح شهروندی، موفق به ایجاد حس تعلق به یک مکان جغرافیایی و یک محیط اجتماعی می شوند. ایجاد نقش شهروندی به این دلیل برای مدیریت شهری اهمیت دارد که در جامعه احساس تعلق شهری را ایجاد کرده و به تبع آن مسئولیت پذیری افراد را نسبت به محیط شهری بالا می برد.

هر اندازه مشارکت مردم در اداره شهر بیشتر شود، حس تعلق آنان به شهر نیز افزایش می یابد. با ایجاد انگیزه و احساس تعلق اجتماعی مردم و ارتقای سطح دانش آنان، می توان شهروندانی مسئول و اجتماعی ساخت. حال اگر در برنامه ریزی شهری و مدیریت شهری بتوان به گونه ای بافت و ساختار و فعالیت ها را تنظیم کرد که به توسعه تعاملات و ارتباطات عمیق و کیفی کمک کند، طبعاً بیشترین کمک به ارتقاء حس تعلق اجتماعی، هویت یابی و تامین نیازهای عاطفی شهروندان شده است. از مهم ترین اهداف رویکرد محله محوری در مدیریت شهری موفق، بهره گیری از مشارکت مردم و ارزش گذاری بر دیدگاه های مردم در موضوعات مختلف شهری است که باعث ایجاد تعلق اجتماعی و اعتماد اجتماعی می شود. مشارکت شهروندان در اداره شهر و تضمیم گیری محلی همواره به عنوان یکی از شیوه های انسجام اجتماعی مطرح شده است. آگاهی از نیازها و مسائل مردم و بررسی نگرش آنان در میزان نقشی که می توانند در رفع مشکلات شهری داشته باشند مؤثر است. مردم در کاری مشارکت می کنند که آن را به درستی بشناسند. شناخت، اولین گام مشارکت است. سپس تبادل اطلاعات، اعتمادسازی و ایجاد تعلق اجتماعی است که به مشارکت هدفدار منتهی می شود. مشارکت اجتماعی و مسئولیت پذیری یک حق شهروندی است که باید شرایط آن فراهم شود. پسوند «وند» که پس از

در ادبیات جامعه شناسی شهری دهه های اخیر ساختار محله های شهری با تأکید بر نیاز به توسعه احساس تعلق اجتماعی و مکانی ساکنان در شهرهای بزرگ مورد بازشناسی قرار گرفته است. بازشناسی تعلق اجتماعی در محله های شهری یک ضرورت اجتماعی و فرهنگی است که در جهت پیشبرد اهداف استراتژیک مدیریت شهری نقش بسیار مهمی دارد. محله ها به طور سنتی کارکردهای اجتماعی مهمی از جمله هویت یابی و احساس تمایز، احساس تعلق جمعی، مشارکت یابی و بسیج داوطلبانه منابع و امکانات انسانی و مالی داشتند. ساخت کالبدی محله باعث تقویت هرچه بیشتر این کارکردها می شد زیرا معابر، میدان عمومی، بازار و مسجد محله همه به گونه ای طراحی شده بودند که امکان ملاقات و گفتگوی دائمی، حمایت مالی، هم فکری و مشورت در امور محله و همکاری را فراهم می کرد و هر محله یک مجموعه زیستی کامل به شمار می رفت. محله های شهری از گذشته در شکل دهی و سازمان امور شهری جایگاه ویژه ای داشتند. هر محله با ارائه خدمات روزمره مورد نیاز خود و با ایجاد نمادهای محلی و ویژگی های خاص موجب می شد ساکنان آن نوعی احساس تعلق و هویت داشته باشند. در گذشته برای امور محله همچون ایجاد امنیت از اهالی محله مشارکت می خواستند ولی به مرور این نقش از مردم برداشته شد و ساکنان محله از هویت خاص محله خود تهی شدند. تراکم اخلاقی، جمعیتی و ساختار ارگانیکی در زندگی مدرن شهری به گونه ای است که قانون و هنجارهای رسمی جانشین هنجارهای سنتی می شود و در نتیجه مراودات اجتماعی را بسیار پر حجم اما ناپایدار و بی روح می کند. در چنین فضایی همکاری، مشارکت و روابط اعتمادآمیز اجتماعی به حداقل می رسد و خلاء های عاطفی و ضعف در هویت جویی افزایش می یابد و نیاز به تعلق اجتماعی کمتر تامین می شود. کمبود امکانات و تسهیلات شهری در مقابل روند افزایش بی رویه جمعیت نیز از سوی دیگر موجب شده تا احساس نارضایتی در شهرنشینان ایجاد شود و روند ایجاد نقش

## مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۷ زمستان ۹۳  
No.37 Winter 2015

۱۵۲

۲. اهداف فرعی عبارتند از: بررسی رابطه میان سن، جنسیت، وضعیت تأهل، سطح تحصیلات، پیوندهای اجتماعی، اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، همبستگی و انسجام محله‌ای با میزان تعلق شهروندان به محله.

### مبانی نظری

منظور دورکیم از احساس تعلق اجتماعی آن است که یک فرد از نظر روانی و اجتماعی تا چه حد خودش را با جامعه همانگ دانسته و به طور فعال در امور آن مشارکت نموده و عملکرد او برای دیگران باعث خود ارزشی فرد می‌شود و نسبت به دیگران در خود، تعهد زیادی احساس می‌کند. از نظر ساپ و هارود (Sapp & Harrod) تعلق به گروه اجتماعی (جمع گرایی) موجب پذیرش گروه مرجع مثبت گردیده است و به خاطر ارزش‌های حاکم بر گروه و فشار هنجاری افراد خود را موظف به پذیرش رفتار و پیروی از آن می‌دانند و در نتیجه فعالیت‌های گروهی و رفتار اجتماعی تقویت می‌گردد. ساپ و هارود در تحقیق خود متغیری به نام «پذیرش اجتماعی» (Social Acceptability) را در نظر گرفتند. آنها معتقدند که انتظارات اجتماعی در پیدایش قصد و نیت موثر است. بدین ترتیب انسان جهان اطراف خود را از دیدگاه گروه مرجع کلی ادراک می‌کند. گروه مرجع می‌تواند هر مجموعه از مردم باشد. این گروه مرجع یک چهارچوب ارزشیابی را به وجود می‌آورد که بر اساس آن اعضای سیستم اجتماعی یا گروه، خود و دیگران را ارزیابی و کنترل می‌نمایند. بر این اساس هر آنچه که در یک گروه به عنوان یک مقیاس ارزشی گروهی جاافتاد بر روی قضاوت و ارزشیابی تک تک افراد تاثیر می‌گذارد اما به آن تعلق دارد و آن را به عنوان گروه مرجع مثبت می‌پذیرد. یک سیستم مقیاس‌های ارزشی تولید می‌کند که اعضای گروه به دلایل مختلف از جمله فشار هنجاری و همشکلی خود را موظف به پذیرش و پیروی از آن می‌دانند البته پیروی از این مقیاس‌ها بستگی به میزان همبستگی و انسجام گروهی دارد و هر چه که این مقیاس‌ها مشخص تر باشند و تعداد بیشتری از اعضای گروه آن مقیاس‌ها را پذیرفته و

شهر قرار می‌گیرد، گویای تعلق و هویت است. تعلق اجتماعی شهروندان به محله می‌تواند در تامین منابع اقتصادی، کاهش هزینه خدمات، آسیب‌ها و تنفس‌های ناشی از زندگی شهری و افزایش انسجام اجتماعی (همبستگی و انسجام محله‌ای)، اعتماد اجتماعی، پیوندهای اجتماعی و مشارکت اجتماعی و رضایت شهروندان موثر باشد. احساس تعلق اجتماعی نیز مبنای احساس مسئولیت و به دنبال آن مشارکت در توسعه شهری و منطقه‌ای است. هویت فرهنگی و اجتماعی در تداوم حیات اجتماعی انسان نقش مهمی را در انجام وظایف و مسئولیت‌های اجتماعی و شهروندی ایفا می‌کند. نتایج بررسی‌ها نشان داده است که میزان تعلق اجتماعی شهروندان ضعیف است و شهروندان نسبت به محیط زندگی خود احساس تعلق و یگانگی ندارند. ساختار زندگی شهری شرایطی را ایجاد نموده که منافع عمومی در مقابل منافع شخصی رنگ باخته است.

سازمان محلات شهری و جایگاه آن در نظام جغرافیایی-اجتماعی، در چشم انداز جغرافیایی، جامعه شناختی و برنامه‌ریزی شهری مورد بررسی قرار گرفته است. نظریه جغرافیایی بیشتر متوجه ساختار فضایی محله‌های شهری و ضرورت‌ها و نیازهای محیطی واحدهای فوق و موقعیت محله‌های شهری از لحاظ تفکیک کارکردن فضایی است. در حالی که نظریه‌های جامعه شناسی نقش و اهمیت کارکردن محلات شهری را در بعد پیوند اجتماعی و تأثیری که وضعیت مکانی فوق در زندگی جمعی ساکنین شهری دارد را مورد تأکید قرار می‌دهند. به منظور رسیدن به توسعه پایدار شهری توجه به تعلق اجتماعی شهروندان در محلات (به عنوان کوچکترین واحد شهری) ضروری است. این مقاله در صدد است ابعاد جامعه شناختی تعلق اجتماعی شهروندان و عوامل اجتماعی موثر بر افزایش آن را با نگاهی به ساختار محله در شهر تهران (منطقه ۲۲ شهرداری تهران) مورد بررسی قرار دهد.

**۱. اهداف اصلی عبارتند از:** ۱. سنجش میزان تعلق شهروندان به محله در منطقه ۲۲؛ و ۲. بررسی عوامل اجتماعی موثر بر تعلق شهروندان به محله.»

از آنها پیروی کنند، همشکلی و لذا فشار هنجاری بیشتر خواهد بود (رفیع پور، ۱۳۷۲، ص ۱۲). سالی شورتال (Sally Shortall) که به بررسی رابطه مشارکت افراد در توسعه روستاهای ایرلند شمالی می پردازد، احساس کم رنگ شدن تعلق اجتماعی در افراد را از جمله عوارض محرومیت اجتماعی می دارد که در نتیجه به کاهش انگیزه های مردم برای شرکت در امور اجتماعی منجر می گردد. تأکید این مقاله بر آن است که افراد به وسیله دریافت هایی که از حضور خود در جمع و انجام امور جمعی بدست می آورند از سود یا ضرر های احتمالی که حضور شان در امور جمعی به دنبال خواهد داشت آگاه می شوند و در نتیجه در مورد ادامه یا کاهش حضور در این گونه فعالیت ها تصمیم گیری می کنند. پررنگ بودن احساس تعلق و تعهد اجتماعی در یک جامعه به عنوان یک کاتالیزور جهت پیوند افراد از گروه های مختلف به یکدیگر عمل می کند. (shortall,2008)

از آغاز طرح مباحث جامعه شناسی مفهوم انسجام اجتماعی (Social Cohesion) در کانون توجه نظریه پردازان علوم اجتماعی قرار داشته است. از دیدگاه متفسکران رویکرد ساختی - کارکرده، انسجام اجتماعی پایه نظم اجتماعی را تشکیل داده و گسترش زمینه های وفاق و همبستگی، موجبات فعالیت و مشارکت گسترده افراد جامعه را فراهم می آورد. «دورکیم» (Durkheim) به نقش همبستگی اجتماعی در گسترش و تقویت ارتباطات اجتماعی اشاره دارد. همبستگی اجتماعی عامل نیرومندی در نزدیک کردن افراد به هم است و باعث تشدید تماس های آنان و بیشتر کردن فرصت های ارتباطشان با یکدیگر خواهد شد. یعنی هر چه اعضای یک جامعه همبسته تر باشند، روابط گوناگون خود را با یکدیگر یا در حالت دسته جمعی با گروه بیشتر حفظ می کنند. انسجام اجتماعی دلالت بر توافق جمعی میان اعضای یک جامعه است که در یک حوزه تعاملی معین شکل و معنا پیدا می کند. دورکیم احساسی را که در میدان تعاملی به وجود می آید عاطفه جمعی (Collective Emotion) می نامد. از نظر وی عاطفه جمعی عمیق اکثرًا طی مناسبات جمعی به وجود می

آید و بدین نحو موجبات افزایش و تحکیم انسجام اجتماعی را فراهم می کند. از نظر ترنر، سوال انسجام یا همبستگی اجتماعی دورکیم، به چند مسئله مربوط است:

۱. چگونه افراد برای این احساس که تعلق به یک جمع اجتماعی بزرگتری دارند، ساخته می شود؟
۲. چگونه تمایلات و خواسته های آنان به طریقی که موجب مشارکت آنان در جمع می شود، محدود می شود؟
۳. چگونه فعالیتهای افراد و دیگر واحدهای اجتماعی با یکدیگر هماهنگ و مطابقت داده می شوند؟ (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶، ص ۴۴ و ۴۳).

دورکیم همبستگی را چیزی معرفی می کند که فرد را به جامعه پیوند می دهد. او همبستگی را موجب وحدت جامعه می دارد. اگر همبستگی اجتماعی در جامعه تقویت یابد، انسجام جامعه ای توسعه یافته در نتیجه مشارکت جمعی افزایش می یابد. از نظر دورکیم جوامع مکانیکی به دلیل تبعیت از احساسات مشترک دارای همبستگی بالا می باشند ولی در جوامع ارگانیک به لحاظ تقسیم کار و تمایز پذیری اجتماعی، گستره آزادی فردی توسعه یافته و همبستگی کاهش می یابد و هر نوع قطع ارتباط بین فرد و جامعه، زمینه آنومیک و مساعدی برای رشد انحرافات اجتماعی ایجاد می کند. در چنین حالتی یک نوع فردگرایی افراطی خواسته های فردی را در مقابل حیات اجتماعی قرار می دهد. دورکیم در کتاب تقسیم کار اجتماعی عنوان می کند که برای این که در جامعه انواع بی هنجاری ها رخ ندهند باید به تقویت گروه های اجتماعی پرداخت و از آنجا که جامعه به جلو حرکت می کند ما نیز باید از یک حالت به حالت دیگر گذر کنیم در نتیجه بایستی به دنبال راهکارهایی جهت جانشینی برای زندگی سنتی بود (وطنی، ۱۳۸۷، ص ۷۹ و ۷۵ و توسلی، ۱۳۸۲، ص ۵ و ۷۳). دورکیم بر آن بود که محیط شهری و فرآیند شهرنشینی، بستر و شرایطی را فراهم می کند که با شدت گرفتن فرآیند تغییرات اجتماعی، و تاثیر آن بر روی همبستگی و انسجام اجتماعی، پدیده های نابهنجار و آنومی پدیدار می شوند.

گروهی و نهادی عینیت پیدا می کند. در این پارادایم جامعه فراتر از مجموعه افراد تشکیل دهنده آن در نظر گرفته می شود. جامعه تنها مجموعه ای از افراد نیست، منظومه ای است که از اتحاد افراد به وجود آمده و واقعیت خاصی با صفات خاصی است. در این پارادایم از حیث روش شناختی ما مخلوق زمان مان، طبقه مان، فرهنگ مان، جنسیت و محل زندگیمان هستیم (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶، ص ۴۱). اتخاذ تدبیری جهت تحقق نمایندگی مردمی در سطح محلی و منطقه ای و تفویض قدرت تصمیم گیری به سطوح محلی می تواند بخشی از زمینه های مشارکت را تامین نماید (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶، ص ۹۶). هانتینگتون نیز بر این نکته تاکید دارد که پایه مشارکت اجتماعی توده ها در مفهومی از شهروندی نهفته است که بر اساس آن تمام شهروندان از حداقل حقوق برابر و مسئولیت های مشارکت در نهادهای اجتماعی برخوردارند و این مسئله به فرهنگ اجتماعی و نوعی جهان بینی نیاز دارد که مشارکت اجتماعی را مشروع و تسهیل نماید (آریایی نژاد، ۱۳۸۲، ص ۴۶). مشارکت اجتماعی فرایندی است که از طریق آن اجتماع، جماعت یا گروه با هم می پیونددند تا عملکردهای مورد انتظار یا مورد نیاز را به اجرا درآورند (سعیدی، ۱۳۸۲، ص ۱۲). به نظر گولت، مشارکت ویژگی مطلقاً ضروری هر نوع از توسعه می باشد و جایی که توده مردم در تشخیص مشکلات به ارایه نظر می پردازند و فعالانه از ابتدا در گیر تصمیمات و عملیات توسعه می باشند، توسعه شانس محکمی در تمرکز بر نیازهای اساسی انسان از شرکت در کارآفرینی، ارایه فرصت های لازم جهت استقلال و انسجام محلی، بهبود الگوهای همبستگی و احترام به تفاوتها و یکپارچگی فرهنگی دارد. مشارکت به مانند کانالی عمل می کند که گروه ها و جوامع محلی می توانند از طریق آن به عرصه های کلان و بزرگتر دسترسی پیدا کنند (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶، ص ۱۱۰). مشارکت اجتماعی ریشه در ساخت و روابط گروهی در سطوح ملی و محلی داشته است و مبنی بر یک فرآیند بوده است. فرآیندی که طی آن اطمینان و همبستگی میان مردم برقرار شده است.

پس برای دور کیم، پدیده شهرنشینی در قالب مفهوم تغییرات اجتماعی متبلور می گردد، که به صورت عدم وجود فرصت کافی برای افراد در مشارکت و باور نمودن ارزش‌های مشترک اجتماعی و از دست دادن پیوندها و بافت‌های همبستگی، آنها را به سوی نابهنجاری سوق می دهد (نوابخش و سیاه پوش، ۱۳۸۸، ص ۱۸۴). تالکوت پارسونز از متفکرین بر جسته نظریه ساختی - کارکردی نیز، انسجام اجتماعی را مجموعه سازگاری هایی می داند که برای ایجاد شرایط لازم برای بقاء وضع تفکیک یافته تازه توسط دیگر اجزاء سیستم صورت می گیرد تا شرایط لازم برای بقای سیستم به عنوان یک کل پویا فراهم گردد. وی معتقد است هر گاه در موقعیت های اجتماعی کنش های اظهاری فرد معطوف به دیگران باشد، به همکاری و انسجام با دیگران می انجامد. سطح بالای انسجام زمانی است که کنش های افراد اخلاقی و معطوف به یک جمع باشد. در این کنش ها مسئولیت و وفاداری در قبال دیگران و جامعه به حد اعلای خود می رسد (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶، ص ۴۴). ماکس وبر نیز به عوامل انسجام شهری اشاره کرده و آنها را عبارت از: اقتصاد، امنیت، آزادی، برادری می داند (نوابخش و سیاه پوش، ۱۳۸۸، ص ۱۸۹). زیمل در اثر خود «فلسفه پول» به گرایش هایی چون تفرد و تقویت احساس خصوصی بودن، تکثر شبکه ها و روابط اجتماعی و ابداع و نوآوری ناشی از آنها، رشد خرده فرهنگها و ضد فرهنگها و پیدایش احساس های جدید و زیبا شناختی در الگوهای معرفی شهرها می پردازد. تاکید او بر به وجود آمدن «فرد» و «فردیت» در شهر است. زیمل به از میان رفتن برخی از سطوح تعلقی با ورود به شهرها اشاره می کند و معتقد است فرد در شهر زیر فشار نیروهای مختلف قرار می گیرد که در وی احساس نامطبوعی ایجاد کرده و او را به گوشه گیری و انزوا و امداد دارند و موجبات فاصله گیری از دیگران را فراهم می کند. بدین وسیله فرد گرایی در شهر متدائل می شود (نوابخش و سیاه پوش، ۱۳۸۸، ص ۱۹۱).

در قالب پارادایم واقعیت اجتماعی مشارکت اجتماعی به عنوان واقعیت اجتماعی در اشکال جمعی، انجمنی،

۱۳۸۴، ص ۶۳ و ۶۰ و تاجبخش، ۱۳۸۴، ص ۳۳ و ۳۴ کلدي، ۱۳۸۴، ص ۱۸۰ و ۱۹۱-۴ و موسوي، ۱۳۸۵، ص ۶۹). اينگلهارت معتقد است که هر چه در جامعه اعتماد تقويت پيدا کند در نتيجه مشارکت نيز افزایش می يابد زيرا به واسطه اعتماد، رفتارها قابل پيش بیني می گردد و در نتيجه حوزه کنش و تصميم گيري تقويت می گردد (اينگلهارت، ۱۳۷۴، ص ۳۷۸ و دهقان و غفارى، ۱۳۸۴، ص ۷۳). فوكوياما، اعتماد را از ويژگي نظام هاي اجتماعي و انتظاري مي داند که از درون اجتماع بر می خizد که در آن صداقت و رفتار و روحیه تعافون و همکاری مبتنی بر هنجارهای مشترک و عمومی شکل گرفته باشد. اين رفتارها نياز به قانون و تنظيمات در روابط ندارد، بلکه وجдан اخلاقی به اعضای گروه مبنای اعتماد متقابل را اعطای می کند. اگر افراد پيوسته با يكديگر در کنش متقابل باشند، در نتيجه اين تكرار به سطحي از درستكاری و اعتماد دست می يابند؛ بر اساس نظر فوكوياما فرایند فردگرایی زمينه عدم مشارکت و بروز هرج و مرج در جامعه را به دنبال دارد. اعتماد متضمن تمایل افراد به خطرپذيری (قبول ريسک) در يك زمينه اجتماعي است که در جريان آن، فرد اطمینان پيدا می کند، ديگران مطابق انتظار وي واکشن نشان می دهند و به شيوه اي حمایت آميز عمل می کنند يا حداقل به وي صدمه نمی رسانند. اعتماد نقش اساسی در تسهيل فرآيندها و كاهش هزينه مبادرات و نظارات دارد و همچنين موجب پيدايش اقتصادي کارآمدتر می شود (محمدی، ۱۳۸۴، ص ۵۳-۴ و ماهري، ۱۳۸۵، ص ۹ و بهزاد، ۱۳۸۴، ص ۹۴ و غفارى، ۱۳۸۴، ص ۳۳۸ و فيروزآبادی و جارجري، ۱۳۸۵، ص ۲۰۰).

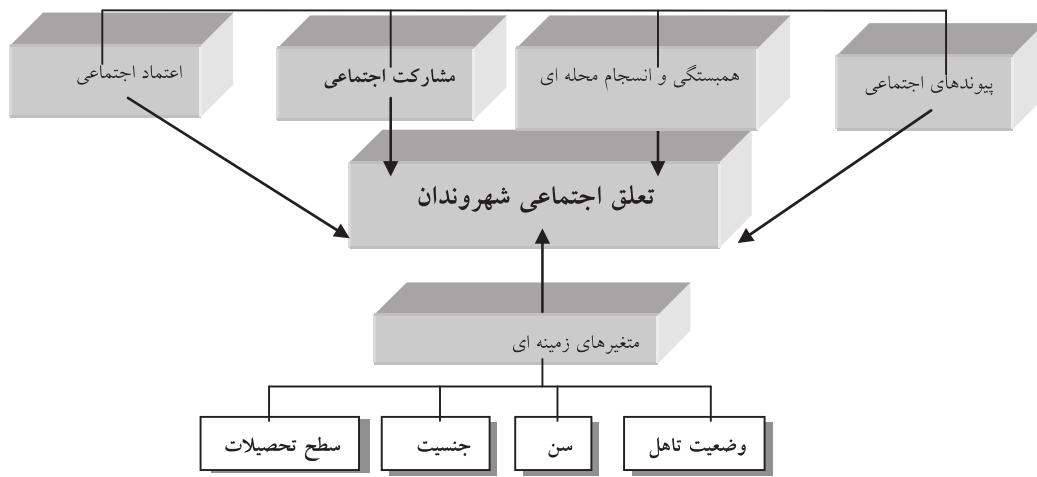
### فرضيات تحقیق عبارتند از:

۱. هر چه سن شهروندان محله افزایش يابد پس ميزان تعلق آنان به محله افزایش می يابد.
۲. به نظر می رسد ميزان تعلق به محله در ميان شهروندان زن و مرد يكسان نیست.
۳. به نظر می رسد ميزان تعلق به محله در ميان شهروندان مجرد و متاهل يكسان نیست.
۴. به نظر می رسد هر چه ميزان تحصیلات شهروندان

به نظر پارکر(Parker) مشارکت اجتماعي کاتالیزوری برای وحدت اجتماعي محلی، جايگزيني برای پيوندهای تضعيف شده، عامل جامعه پذيری سياسي و نظام های ديني است (غفارى و نيازي، ۱۳۸۶، ص ۳۵). مشارکت اجتماعي در برگيرنده انواع مختلف کنش هاي فردی و گروهی به منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تاثير نهادن بر فرآيندهای تصميم گيري درباره امور عمومي است. مشارکت می تواند در دو سطح مطرح باشد:

- الف. بعد ذهنی مشارکت که همان تمایل به مشارکت اجتماعي است که در نتيجه اعتماد و سایر عوامل زمينه ساز در افراد ايجاد می شود؛
- ب. بعد عيني و رفتاري مشارکت اجتماعي که به صورت عضويت، نظارت، اجرا و تصميم گيري بروز می کند، که همان پيوند عيني افراد است (موسوي، ۱۳۸۵، ص ۷۵-۷۷).

اعتماد، قراردادي است به سوي خطر پذيری در روابط اجتماعي، برای کارهای فردی و جمعی و آمادگی افراد برای اينکه در يك متن اجتماعي و در روابط اجتماعي بپذيرند که باید به سایر افراد اطمینان داشته باشند و البته به همان نحوه در مقابل سایرین نيز اطمینان نشان بدنهند (اخترمحققی، ۱۳۸۵، ص ۴۳-۴۰ و فيلد، ۱۳۸، ص ۱۰). پاتنام (Putnam) اعتماد اجتماعي را ناشی از دو منبع، يعني هنجارهای معامله متقابل و شبکه های مشارکت مدنی می داند که همکاری را تسهيل می کند و هر چه سطح اعتماد در يك جامعه بالاتر باشد، احتمال همکاری هم بيشتر خواهد بود و باز اين همکاری به نوبه خود اعتماد را ايجاد می کند. از نظر پاتنام اعتماد باید به تماس، رابطه و عمل اجتماعي ختم شود و سعي شود که مردم با هم معامله و داد و ستدی کنند که بر مبنای اعتماد باشد. از نظر او هرچه تعامل ميان افراد بيشتر باشد، آنها اطلاعات بيشتری درباره يكديگر به دست می آورند و انگيزه های بيشتری برای اعتماد پیدا می کنند و نبود اين ويژگی ها در برخی از جوامع، عهد شکنی، بي اعتمادي، فريض و حيله، بهره كشي، ازوا، بي ظمي و رکود را به دنبال خواهد آورد (محمدی،



خودش را با جامعه هماهنگ دانسته و به طور فعال در امور آن مشارکت نموده و عملکرد او برای دیگران باعث خود ارزشی فرد می شود و نسبت به دیگران در خود، تعهد زیادی احساس می کند.

**تعریف عملیاتی:** احساس تعلق اجتماعی عدم ترجیح منافع فردی بر منافع جمعی، تلاش و احساس وظیفه در مقابل حل مشکلات مردم. گوییه های مقیاس احساس تعلق اجتماعی، عبارتند از: احساس تعلق به محله، مسئولیت پاکیزگی محله، وظیفه هر شهروند پول درآوردن برای خود، اعتقاد به پیشرفت گروهی، رعایت کردن نظم و ترتیب، نقل مکان به محله دیگر در صورت زندگی بهتر، احساس دلتنگی نسبت به محله، متوجه بودن نسبت به شعار «شهر ما، خانه ما»، میزان احساس مسئولیت در حفظ اموال عمومی محیط زندگی، اطلاع به مسئولین در هنگام بروز مشکلات در محله.

#### اعتماد اجتماعی

**تعریف نظری:** پاتنام اعتماد اجتماعی را ناشی از دو منبع، یعنی هنجارهای معامله متقابل و شبکه های مشارکت مدنی می داند. از نظر او اعتماد، همکاری را تسهیل می کند و هر چه سطح اعتماد در یک جامعه بالاتر باشد، احتمال همکاری هم بیشتر خواهد بود و باز این همکاری به نوبه خود اعتماد را ایجاد می کند.

**تعریف عملیاتی:** شاخص اعتماد اجتماعی با استفاده از

افزایش یابد پس میزان تعلق آنان به محله افزایش می یابد.

۵. هر چه پیوندهای اجتماعی در بین شهروندان افزایش یابد پس میزان تعلق آنان به محله افزایش می یابد.

۶. هر چه اعتماد اجتماعی در بین شهروندان افزایش یابد پس میزان تعلق آنان به محله افزایش می یابد.

۷. هر چه مشارکت اجتماعی در بین شهروندان افزایش یابد پس میزان تعلق آنان به محله افزایش می یابد.

۸. هر چه همبستگی و انسجام محله ای در بین شهروندان افزایش یابد پس میزان تعلق آنان به محله افزایش می یابد.

#### مدل تحقیق نیز عبارت است از:

**روش تحقیق:** روش مورد استفاده در این تحقیق از نوع پیمایشی است. جامعه آماری شامل تمام شهروندان ۱۸ سال به بالای ساکن در منطقه ۲۲ شهرداری تهران می باشد. حجم نمونه به وسیله فرمول کوکران برآورد شده است. **شیوه نمونه گیری** تحقیق مورد نظر نمونه گیری تلفیقی (خوشه ای و تصادفی ساده) است. واحد تحلیل نیز فرد است.

#### تعریف مفاهیم و متغیرهای تحقیق

**تعلق اجتماعی** (متغیر وابسته و معرفه های آن)

**تعریف نظری:** منظور از احساس تعلق اجتماعی آن است که یک فرد از نظر روانی و اجتماعی تا چه حد

انسجام اجتماعی نظر پاسخگویان درباره موارد ذیل مورد پرسش قرار گرفت: انجام کار بیشتر برای سربلندی محله، لذت بردن از حضور در اجتماعات محله، اهمیت دادن به دیگران، وجود روابط محبت آمیز بین انسانها، میانجیگری به طور داوطلبانه در حل اختلاف شهروندان، اعتقاد به هم فرهنگ بودن شهروندان محله، وجود همدلی برای حل مسائل محله، آنچه برای اجتماع مفید است برای من نیز مفید است، عدم اعتماد به افراد محله برای در میان گذاشتن مسائل خانوادگی.

## ویژگی های فردی پاسخگویان

در این قسمت ابتدا به توصیفی از نمونه مورد بررسی بر اساس متغیرهای زمینه ای از جمله جنس، سن، میزان تحصیلات و وضعیت تأهل می پردازیم: سپس متغیر وابسته و متغیرهای مستقل توصیف می شود. بعد از آن روابط میان متغیرها مورد آزمون قرار می گیرند و در نهایت با انجام تحلیل رگرسیون چندمتغیره سهم هریک از متغیرهای مستقل در تبیین واریانس متغیر وابسته بررسی شده و تاثیرات مستقیم و غیر مستقیم آنها بر متغیر وابسته با تکنیک تحلیل مسیر نمایان می شود.

۳۰ درصد افراد حجم نمونه زن ۷۰ درصد مرد، ۳۱ درصد مجرد و ۶۹ درصد متاهل، میانگین سنی و تحصیلات آنان نیز به ترتیب ۳۲ سال و ۱۲ کلاس می باشد. اطلاعات به دست آمده از جمع نمرات ۱۰ سوال در رابطه با تعلق اجتماعی که به صورت ترتیبی پرسیده شده، نشان می دهد که (۳۷/۱ درصد) پاسخگویان دارای تعلق اجتماعی کم هستند؛ (۵۹/۵ درصد) افراد با تعلق اجتماعی متوسط هستند. (۳/۳ درصد) افراد با تعلق اجتماعی زیاد هستند؛ می توان گفت تعلق اجتماعی شهروندان منطقه ۲۲ به محله که در حجم نمونه قرار داشته، کم می باشدند.

اطلاعات به دست آمده از جمع نمرات ۹ سوال در رابطه با همبستگی اجتماعی که به صورت ترتیبی پرسیده شده نشان می دهد که (۱۹/۵ درصد) پاسخگویان دارای همبستگی اجتماعی کم هستند؛ (۵۷/۷ درصد) افراد با همبستگی اجتماعی متوسط هستند. (۴/۸ درصد) افراد با همبستگی اجتماعی زیاد هستند. می توان گفت

اعتماد نهادی، اعتماد عمومی، قابلیت اعتماد به محیط زندگی و احساس امنیت عملیاتی شده اند.

## مشارکت اجتماعی

تعريف نظری: «مشارکت اجتماعی عبارت است از مشارکت کم و بیش آشکار در حیات اقتصادی، گذران اوقات فراغت، فرهنگ، تقبل مسئولیت های سیاسی و مدنی. در این صورت، میزان مشارکت اغلب صورتی از قدرت را مشخص می دارد (بیرو، ۱۳۷۰، ص ۲۵۷).

تعريف عملیاتی: آن دسته از فعالیت های ارادی که از طریق آنها اعضای یک جامعه در امور شرکت کرده و به صورت مستقیم و غیر مستقیم در شکل دادن حیات اجتماعی مشارکت دارند. مشارکت می تواند در دو سطح مطرح باشد: (الف) بعد ذهنی مشارکت که همان تمایل به مشارکت اجتماعی است. شاخص مشارکت اجتماعی در بعد ذهنی و بعد عینی و رفتاری مشارکت اجتماعی که به صورت عضویت، نظارت، اجرا و تصمیم گیری بروز می کند. شاخص مشارکت اجتماعی در بعد عینی (رفتارهای مشارکت اجتماعی) شامل مشارکت غیررسمی اجتماعی (مشارکت در سطح محله، مشارکت غیررسمی مذهبی، خیریه ای، همیارانه، کمک در فعالیتهای روزمره) و مشارکت رسمی / مدنی (سنتهای مدنی و مشارکت سازماندهی شده در گروه های فرهنگی مختلف) است.

## انسجام اجتماعی (همبستگی)

تعريف نظری: دور کیم همبستگی را چیزی معرفی می کند که فرد را به جامعه پیوند می دهد. او همبستگی را موجب وحدت جامعه می داند. احساس مسئولیت متقابل بین چند نفر یا چند گروه است که از آگاهی و اراده برخوردار باشند (بیرو و ساروخانی). انسجام اجتماعی دلالت بر توافق جمعی میان اعضای یک جامعه دارد. به عبارتی انسجام در کل ناظر به میزان و الگوی رابطه متقابل بین کنشگران، گروه ها و خرده فرهنگی های تمایز یافته است.

تعريف عملیاتی: یعنی احساس تعلق و هماندی با یک کل. در صورتی که افراد احساس همنوایی با کل را داشته باشند، مشارکت تحقق می پذیرد. برای ارزیابی

اجتماعی متوسط هستند (۱۰/۵ درصد) افراد دارای مشارکت اجتماعی زیاد هستند. می‌توان گفت مشارکت اجتماعی شهروندان منطقه ۲۲ که در حجم نمونه قرار داشتند، متوسط می‌باشد.

### یافته‌های تبیینی پژوهش

رابطه هریک از متغیرهای تحقیق با متغیر تعلق اجتماعی با استفاده از ضریب همبستگی اسپیرمن نشان داد که: بین متغیر همبستگی و انسجام محله ای (۱۸۶)، میزان مشاکت اجتماعی (۱۷۹)، میزان اعتماد اجتماعی مشاکت اجتماعی (۱۹۱)، با ۹۹ درصد اطمینان و پیوندهای اجتماعی (۱۵۲) با ۹۵ درصد اطمینان معنی دار می‌باشد. اطلاعات آزمون  $t$  به دست آمده است بیانگر آن است که تعلق اجتماعی در میان افراد مجرد و متاهل یکسان نیست. مقدار  $t$  به دست آمده (۱۱۲/۱) با  $\text{sig} (0.۴۰)$  در سطح ۹۵ درصد اطمینان معنادار است. میانگین تعلق اجتماعی بین پاسخگویانی که متاهل هستند بیشتر از مجردها است؛ در نتیجه فرضیه مورد نظر تایید می‌شود. متغیرها و فرضیاتی که در آزمون همبستگی اسپیرمن رابطه معناداری با تعلق اجتماعی نداشته و رد شده اند عبارتند از: میزان تحصیلات و سن، همچنین اطلاعات آزمون  $t$  متغیر جنسیت نیز رد شد.

### تحلیل رگرسیون چند متغیره

از تحلیل رگرسیون چندگانه به منظور مشخص کردن سهم تاثیر هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته

همبستگی اجتماعی شهروندان منطقه ۲۲ که در حجم نمونه قرار داشتند، متوسط می‌باشد.

اطلاعات به دست آمده از جمع نمرات ۹ سوال در رابطه با پیوند اجتماعی که به صورت ترتیبی پرسیده شده نشان می‌دهد که (۲۴/۳ درصد) پاسخگویان دارای پیوند اجتماعی کم هستند؛ (۶۲/۹ درصد) افراد دارای پیوند اجتماعی متوسط هستند. (۱۲/۹ درصد) افراد دارای پیوند اجتماعی زیاد هستند. می‌توان گفت پیوند اجتماعی شهروندان منطقه ۲۲ که در حجم نمونه قرار داشتند، متوسط می‌باشد. اطلاعات به دست آمده از جمع نمرات ۱۶ سوال در رابطه با اعتماد اجتماعی که به صورت ترتیبی پرسیده شده نشان می‌دهد که (۱/۴ درصد) پاسخگویان دارای اعتماد اجتماعی خیلی کم هستند. (۲۴/۳ درصد) پاسخگویان دارای اعتماد اجتماعی کم هستند؛ (۵/۹ درصد) افراد دارای اعتماد اجتماعی متوسط هستند. می‌توان گفت اعتماد اعتماد اجتماعی زیاد هستند. اطلاعات به دست آمده از جمع نمرات ۲۵ سوال در رابطه با مشارکت اجتماعی که به صورت ترتیبی پرسیده شده نشان می‌دهد که (۵ درصد) پاسخگویان دارای مشارکت اجتماعی خیلی کم هستند. (۳۰ درصد) پاسخگویان دارای مشارکت اجتماعی کم هستند؛ (۵/۹ درصد) افراد دارای مشارکت

جدول ۲. آماره‌های رگرسیونی و برآزن مدل رگرسیون

(تحلیل واریانس) <b>F</b>	(سطح معناداری) <b>Sig</b>	Std. Error of the Estimate (خطای معيار)	(ضریب تعیین تغییرات) Adjusted R Square	(ضریب تعیین) R Square	(ضریب همبستگی چندگانه) <b>R</b>	تعلق
۲.۲۱۹		.۵۳۰۳۲	.۰۳۴	.۰۶۲	.۲۴۹	

جدول ۳. عناصر متغیرهای درون معادله برای پیش بینی میزان تعلق اجتماعی

Sig	t	Beta	B	متغیر
.۰۰۰	۶/۸۶۱	-	۲/۳۹۲	مقدار ثابت
.۰۰۰	۲/۱۶۹	.۱۶۹	.۱۹۴	همبستگی اجتماعی
.۰۲۲	-۲/۳۰۵	-.۱۵۹	-.۱۴۳	پیوند اجتماعی
.۰۱۲	.۶۱۵	.۰۴۴	.۰۳۵	اعتماد اجتماعی
.۰۱۶	-.۱۴۳	-.۰۱۱	-.۰۱۰	مشارکت اجتماعی
.۳۹۲	.۸۵۹	.۰۶۰	.۰۰۷۰	وضعیت تأهل

(۰/۰۲۲)، اعتماد اجتماعی با توجه به میزان  $t$  (۶/۶۱۵) و سطح معناداری (۰/۰۱۲) و مشارکت اجتماعی با میزان  $t$  (۱/۱۴۳) و سطح معناداری (۰/۰۱۶) تاثیر زیادی بر متغیر وابسته (تعلق اجتماعی) دارند.

#### نتیجه گیری و جمعبندی

در جامعه شناسی کلاسیک و معاصر همواره به کم و کیف روابط اجتماعی پرداخته می شود. توجه دور کیم به انواع همبستگی مکانیکی و ارگانیکی و انسجام اجتماعی و راه های رسیدن به آن و همچنین توجه تونیس به تبدیل جوامع گمنشافت (اجتماع) به گزشافت و یا تاثیر زندگی شهری بر حیات انسانی، تجدد گرایی و زندگی کلان شهری و رشد عقلانی گرایی یا واقعیت گرایی در حیات اجتماعی مورد نظر زیمل تا حدی از نگرانی مربوط به روند رو به تنزل روابط اجتماعی ناشی از صنعتی شدن و ظهور شهر های بزرگ و نوع روابط بین افراد بوده است. مدیریت شهری سازماندهی عوامل و منابع برای پاسخگویی به نیازهای ساکنان شهر است و چیزی بیش از حیطه کالبدی شهر را در بر می گیرد. «مفهوم شهروندی علاوه بر زمینه های سیاسی بر روابط اخلاقی بین اعضای جامعه و نیز مسائل سنتی نظری جامعه شناسی، مثل شرایط یگانگی و همبستگی اجتماعی، ناظر است. شهروندی پیوندهای میان فرد و جامعه را در قالب حقوق، تعهدات و مسئولیت ها منعکس می کند و چارچوبی برای تعامل افراد، گروهها و نهادها ارایه می کند. بنابراین کارکرد اصلی شهروندی، اداره جامعه

بدون لحاظ کردن تقدم و تاخر در بین آنها استفاده می شود. در این پژوهش برای تبیین و پیش بینی متغیر وابسته از طریق متغیرهای مستقل از روش رگرسیون چند متغیره (توان Enter) استفاده شده است. در این قسمت بر اساس تحلیل رگرسیونی مهمترین عوامل تاثیر گذار بر تعلق اجتماعی را بررسی می کنیم. برای انجام تحلیل رگرسیونی در این تحقیق متغیرهای همبستگی اجتماعی، پیوند اجتماعی، مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، جنسیت و وضعیت تأهل را به عنوان متغیر مستقل و متغیر تعلق اجتماعی را به عنوان متغیر وابسته وارد معادله رگرسیونی کردیم و نتایج به قرار زیر می باشد:

بر اساس اطلاعات جدول فوق می توان دریافت که میزان تاثیر متغیرهای مستقل وارد شده در مدل با متغیر وابسته (تعلق اجتماعی) در حدود ۲/۴۹ می باشد که نشان دهنده همبستگی قوی میان متغیرها است. همچنین ۰/۰۶۲ درصد از واریانس متغیر تعلق اجتماعی توسط متغیرهای مستقل وارد شده در مدل تبیین می شود که قابل توجه می باشد. بر اساس سطح معناداری آزمون تحلیل واریانس مدل رگرسیونی فوق در سطح اطمینان بالای ۹۹ درصد مورد تایید می باشد.

همان طور که مشاهده می شود، همبستگی اجتماعی اولین متغیری است که وارد معادله شده با توجه به میزان  $t$  (۲/۱۶۹) و سطح معناداری (۰/۰۰۰)، پیوند اجتماعی با میزان  $t$  (-۲/۳۰۵) و سطح معناداری

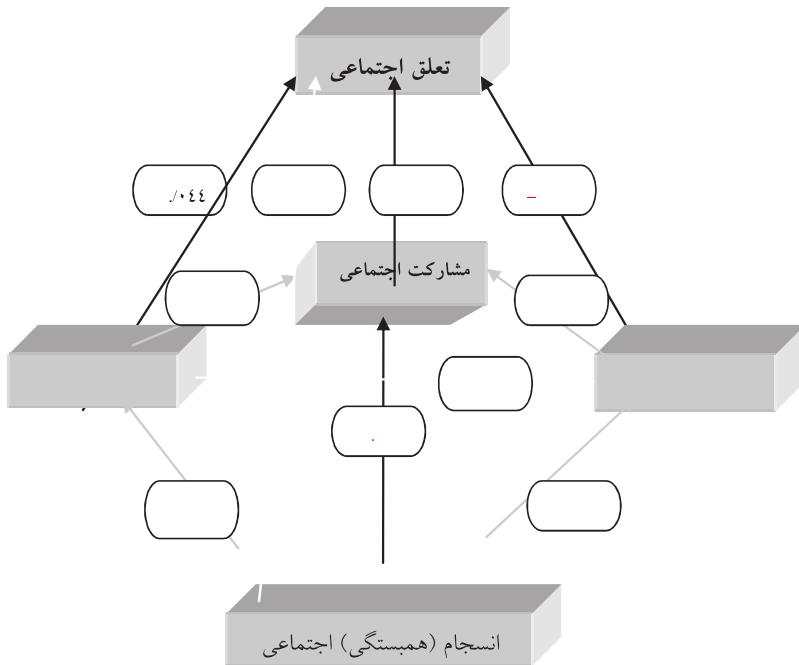
# دریب شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۷ زمستان  
No.37 Winter 2015

۱۶۱

اجتماعی و انجام وظایفی که با این نقش‌ها ملازمت دارند، مبین مشارکت معمولی در حیات اجتماعی است. ایفای این نقش‌ها، تجلی اراده انسان‌ها جهت تعلق به جمع و یکپارچگی و یگانگی با آن است. همانگونه که نتایج تحقیق نشان داد متغیرهای مستقل علاوه بر تاثیر داشتن بر متغیر وابسته، می‌توانند باعث تقویت یکدیگر نیز باشند و هر چه متغیرهای مشارکت اجتماعی، پیوند اجتماعی، اعتماد اجتماعی و همبستگی اجتماعی در بین شهروندان محله افزایش یابد، تعلق به محله نیز افزایش می‌یابد. افزایش تعلق اجتماعی، ایجاد استحکام پیوندهای اجتماعی و مشاهده پیوسته نظم اجتماعی در همه شئونات مدیریت و سکونت شهری صرفاً با اراده و خواست شهروندان ممکن خواهد بود و همکاری افراد یک محله استحکام محله را افزایش می‌دهد. روابط اجتماعی و تعامل‌ها یکی از عوامل مهم در ایجاد احساس تعلق عنوان شده به طوری که تعامل اجتماعی را تشکیل می‌دهد و در شکل گیری جمعی متشکل از افراد، نقش برجسته‌ای ایفا می‌کند. راه حل مناسب در پدید آمدن حرکت‌های اجتماعی باید با مشارکت محله‌ها صورت گیرد، در حقیقت باید سازمان‌های مشارکتی در واحد محله شکل بگیرد و عزم ملی با حرکت‌های اجتماعی پیوند بخورد و منابع دولتی در خدمت و تسهیل کننده این حرکتها باشد. باید ایده، فکر و برنامه توسط خود مردم تولید شود و مدیریت شهری به صورت تسهیل کننده در کنار این قضیه باشد. هنگاهی که شهروندان نسبت به محیط اجتماعی خود احساس تعلق نمایند، شرایط لازم برای اجتماعی اخلاقی فراهم می‌شود و با افزایش تعلق اجتماعی، مشارکت اجتماعی نیز افزایش می‌یابد. فرضیاتی که با استفاده از ضرایب همبستگی اسپیرمن، مورد تایید قرار گرفتند عبارتند از: فرضیه: هر چه همبستگی و انسجام محله‌ای در بین شهروندان افزایش یابد پس میزان تعلق آنان به محله افزایش می‌یابد. ضریب همبستگی اسپیرمن بین دو متغیر همبستگی و انسجام محله‌ای و تعلق اجتماعی با ۹۹٪ همبستگی و ۱۸۶٪ درصد اطمینان، فرضیه مورد نظر را تایید کرد. یعنی مطابق با نظر دورکیم، پارسونز

مطابق با اصول رعایت حقوق دیگران و تعهد به انجام امور در جهت حفظ نهادهای مشترکی است که این حقوق را برقرار و پایدار نگه می‌دارد». اینگلهارت رابطه بین اعتماد و مشارکت را مورد توجه قرار داده است. به نظر او اعتماد به دیگری از عوامل موثر در مشارکت می‌باشد، زیرا به واسطه اعتماد، رفتارها قابل پیش‌بینی می‌گردد و در نتیجه حوزه کنش و تصمیم گیری تقویت می‌گردد. پیوند بین انسجام اجتماعی و مشارکت حائز اهمیت زیادی است. در واقع بین مشارکت اجتماعی و انسجام اجتماعی نوعی رابطه متقابل وجود دارد. یکی از پیش‌شرط‌های مشارکت، قابلیت و ظرفیت متقابل برای ارتباط و تعامل داشتن با دیگران است. وفاق اجتماعی مشکل بنیادی هر نظام اجتماعی یعنی پیش‌بینی پذیری رفتارهای اجتماعی را حل می‌کند. با حل مشکل فوق و همزمان با ظهور اعتماد اجتماعی متقابل، زمینه برای همکاری اجتماعی و مشارکت اجتماعی که خود پیش‌شرطی برای اصلاح و توسعه اجتماعی است فراهم می‌آید. مطالعات نشان می‌دهد که رابطه مستقیمی بین انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی وجود دارد که با افزایش یکی دیگری نیز افزایش می‌یابد. بسط رابطه متقابل بین انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی به گسترش و ارتقاء توسعه اجتماعی کمک می‌کند. البته این رابطه در واقعیت توسط عوامل بسیاری ممکن است مشروط و محدود شود. فرایند مشارکت به عنوان یک نظام کارکرده در سطوح کلان، میانی، خرد با کارکردهای افزایش ثبات اجتماعی، ایجاد روحیه همبستگی و کاهش تعارضات گروهی و از بین بردن سلطه منافع فردی به منافع جمیعی، تقلیل از خودبیگانگی، روحیه تفردجویی، تمرکزگرایی و نیز تعیق و بسط ارزش‌های دموکراتیک، تقویت روحیه مسئولیت پذیری و احساس تعلق و تعهد در فرد، بسط عدالت اجتماعی و توسعه خود اعتمادی، ابتکار، سربلندی، فعالیت، تعاون اجتماعی و غیره همراه است. مشارکت می‌تواند به اشکال و درجات گوناگونی نظری تعاون، همکاری، همیاری، همبستگی، انطباق، سازگاری، پذیرش، انقیاد، شیفتگی بیان شود. ایفای نقش‌های



یابد. ضریب همبستگی اسپیرمن بین دو متغیر پیوندهای اجتماعی و تعلق اجتماعی با ۰/۱۵۲ همبستگی و ۰/۹۵ درصد اطمینان، فرضیه مورد نظر را تایید کرد. یعنی مطابق با نظر دورکیم، هر چقدر پیوندهای اجتماعی در بین شهروندان افزایش یابد میزان تعلق اجتماعی نیز افزایش می یابد.

**فرضیه:** به نظر می رسد میزان تعلق به محله در میان شهروندان مجرد و متاهل یکسان نیست. مقدار  $t$  به دست آمده  $112/1 - 112/1$  با  $\text{sig} = 0.40$ ) در سطح ۰/۹۵ درصد اطمینان معنادار است. میانگین تعلق اجتماعی بین پاسخگویانی که متاهل هستند بیشتر از مجردها است، در نتیجه فرضیه مورد نظر تایید می شود. نتایج به دست آمده از معادله رگرسیونی به قرار زیر می باشد:

#### منابع و مأخذ

- آریابی نژاد، سهیلا (۱۳۸۲)، بررسی عوامل مرتبط با مشارکت اجتماعی دانشجویان دانشگاه شهید باهنر کرمان، پایان نامه کارشناسی ارشد مددکاری اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.

- اینگلہارت، رونالد (۱۳۷۴)، تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، تهرانانش Sarasat کویر، چاپ اول.

و زیمل هر چقدر همبستگی و انسجام محله ای در بین شهروندان افزایش یابد میزان تعلق اجتماعی نیز افزایش می یابد.

**فرضیه:** هر چه مشارکت اجتماعی در بین شهروندان افزایش یابد پس میزان تعلق آنان به محله افزایش می یابد. ضریب همبستگی اسپیرمن بین دو متغیر مشارکت اجتماعی و تعلق اجتماعی با ۰/۱۷۹ همبستگی و ۰/۹۹ درصد اطمینان، فرضیه مورد نظر را تایید کرد. یعنی مطابق با نظر هانتینگتون، گولت هر چقدر مشارکت اجتماعی در بین شهروندان افزایش یابد میزان تعلق اجتماعی نیز افزایش می یابد.

**فرضیه:** هر چه اعتماد اجتماعی در بین شهروندان افزایش یابد پس میزان تعلق آنان به محله افزایش می یابد. ضریب همبستگی اسپیرمن بین دو متغیر اعتماد اجتماعی و تعلق اجتماعی با ۰/۱۹۱ همبستگی و ۰/۹۹ درصد اطمینان، فرضیه مورد نظر را تایید کرد. یعنی مطابق با نظر پاتنام، اینگلہارت و فوکویاما هر چقدر

مشارکت اجتماعی در بین شهروندان افزایش یابد میزان تعلق اجتماعی نیز افزایش می یابد.

**فرضیه:** هر چه پیوندهای اجتماعی در بین شهروندان افزایش یابد پس میزان تعلق آنان به محله افزایش می

# دریب شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۷ زمستان  
No.37 Winter 2015

۱۶۳

- جلال متقی، تهران، انتشارات موسسه پژوهش تامین اجتماعی - اخترمحققی، مهدی (۱۳۸۵)، «سرمایه اجتماعی»، تهران، انتشارات مهدی اختر محققی.
- فیروزآبادی، سیداحمد، حسین ایمانی جاجرمی (۱۳۸۵)، «سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی - اجتماعی در کلان شهر تهران»، رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۳، ص ۲۲۴-۱۹۷.
- کلدی، علیرضا (۱۴۸۴)، «سرمایه اجتماعی و خانواده»، مجموعه مقاله های نخستین سمپوزیوم سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی، چاپ اول، انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، ۱۰۱-۱۸۳.
- ماهری، احمد (۱۳۸۵-۸۶)، «بررسی نقش سازمانهای غیردولتی (NGO)، در ایجاد اعتماد اجتماعی (آذربایجان شرقی)»، کارشناسی ارشد رشته پژوهش واحد علوم تحقیقات.
- محمدی، محمد علی (۱۳۸۴)، سرمایه اجتماعی و سنجش آن، تهران، انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- موسوی، میرطاهر (۱۳۸۵)، «مشارکت اجتماعی یکی از مولفه های سرمایه اجتماعی»، رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۳، ص ۹۲-۶۷.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۶۹)، «بررسی زمینه های مشارکتی روستاییان و ارتباط آن با ترویج کشاورزی»، جهاد سازندگی، معاونت ترویج و مشارکت مردمی، طرح تدوین نظام ترویج ایران.
- نوابخش، مهرداد، اسحق ارجمند سیاه پوش (۱۳۸۸)، مبانی توسعه پایدار شهری، انتشارات جامعه شناسان، تهران.
- وطنی، علی (۱۳۸۷)، «بررسی عوامل موثر بر افزایش انگیزه مردم به مشارکت اجتماعی در استان گلستان»، استانداری گلستان، معاونت برنامه ریزی (دفتر امور اجتماعی و شوراهای).
- یزدان پناه، لیلا (۱۳۸۶)، «موانع مشارکت اجتماعی شهروندان تهرانی»، رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۶۳، ص ۱۲۸-۱۰۵.
- Shortall, Sally (2008). Are rural development programmes socially inclusive? Social , inclu-
- بهزاد، داوود (۱۳۸۴)، «تحلیل نظری سرمایه اجتماعی در پیشگیری از آسیب ها اجتماعی»، مجموعه مقاله های نخستین سمپوزیوم سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی، چاپ اول، انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، ص ۲۰۳-۱۸۰.
- بیرو، آلن (۱۳۷۰)، فرهنگ علوم اجتماعی، مترجم باقر سارو خانی، انتشارات کیهان، چاپ دوم، تهران.
- تاجبخش، کیان (۱۳۸۴)، سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، شیرازه، تهران.
- توسلى، غلامعباس (۱۳۸۲)، مشارکت اجتماعی در شرایط آنومیک جامعه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
- حسنی، قاسم (۱۳۸۳)، «بررسی رابطه بیگانگی سیاسی - اجتماعی با مشارکت سیاسی - اجتماعی و امنیت ملی»، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۲۶، ص ۱۴۱-۱۷۹.
- دهقان، علیرضا و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۴)، تبیین مشارکت اجتماعی - فرهنگی دانشجویان دانشگاه های علوم پزشکی شهر تهران، مجله جامعه شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۱.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۲)، سنجش گرایش روستاییان نسبت به جهاد سازندگی، تهران، مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی وزارت جهاد سازندگی.
- سعیدی، محمد رضا (۱۳۸۲)، «درآمدی بر مشارکت مردمی و سازمان های غیر دولتی»، تهران، انتشارات سمت.
- غفاری، غلامرضا و محسن نیازی (۱۳۸۶)، جامعه شناسی مشارکت، تهران، نشر نزدیک، چاپ اول.
- غفاری، غلامرضا (۱۳۸۴)، «سنجش سرمایه اجتماعی»، مجموعه مقاله های نخستین سمپوزیوم سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی، چاپ اول، انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، ص ۶۱-۸۲.
- فیلد، جان (۱۳۸۵)، «سرمایه اجتماعی»، ترجمه

sion ‘civic engagement ,participation. Journal of  
Rural Studies, Volume 24 ‘Issue4‘ Pages 450-  
.457



فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۷ زمستان ۹۳  
No.37 Winter 2015

۱۶۴